

۱ کدام عبارت با نظر فیلسوفان مسلمان دربارهٔ خداوند ناسازگار است؟

- ۱ تأثیر اعتقاد به وجود خداوند در حیات معنوی انسان شبیه پذیرش وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی انسان است.
- ۲ بعد از پذیرفتن خداوند از راه عشق و عرفان، برقراری ارتباط معنوی با او، در زندگی انسان تأثیرگذار است.
- ۳ پذیرش خداوند با صفاتی که دارد، امکان دست یافتن به یک زندگی معنادار را فراهم می‌کند.
- ۴ درک و پذیرش عقلی وجود خداوند، توسط هر انسانی به اندازهٔ قدرت علمی و فکری فرد است.

۲ کدام عبارت با نظر ابن‌سینا، ناسازگار است؟

- ۱ ممکن‌الوجود بالذات در حالت تساوی میان وجود و عدم قرار دارد.
- ۲ موجودات این جهان به واجب‌الوجود بالذات وابسته هستند.
- ۳ وجود خداوند با دلایل فلسفی قابل اثبات است.
- ۴ همه‌ی موجودات، ذاتاً ممکن‌الوجود هستند.

۳ کدام عبارت درست است؟

- ۱ همه‌ی فیلسوفان معتقدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان‌پذیر است.
- ۲ به کسی فیلسوف اطلاق می‌شود که برای اعتقادات دینی خود استدلال طرح می‌کند.
- ۳ بحث فیلسوف درباره‌ی خدا تا زمانی که از استدلال عقلی استفاده کند، فلسفی است.
- ۴ فیلسوف کسی است که عقیده‌ی خاصی درباره‌ی خدا نداشته باشد.

۴ فرض سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها که هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، کدام نتیجهٔ نهایی را به دنبال دارد؟

- ۱ وجود هیچ معلولی ضرورت پیدا نمی‌کند.
- ۲ تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.
- ۳ مجموعه علت و معلول‌ها بی‌شمار می‌شوند.
- ۴ به علتی که معلول نباشد، نمی‌رسیم.

۵ کدام عبارت با نظر فیلسوفان مسلمان، ناسازگار است؟

- ۱ پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به انسان این امکان را می‌دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد.
- ۲ اعتقاد به خدا وقتی می‌تواند به زندگی انسان معنا دهد که واقعاً او را از یک راه معقول درک کرده و پذیرفته باشد.
- ۳ باید ابتدا با خداوند ارتباط معنوی برقرار کرد و سپس برای وجود او دلیل عقلی ارائه نمود.
- ۴ اعتقاد به وجود خدا، نقش اساسی در معنابخشی به حیات انسان دارد.

۶ با توجه به برهان وجوب و امکان ابن‌سینا

- ۱ اگر تعداد اشیای جهان محدود باشد، می‌توان وجود آن‌ها را به یک موجود نامحدود وابسته دانست.
- ۲ نیازمندی و وابستگی واجب‌الوجود بالغیر به واجب‌الوجود بالذات اثبات می‌شود.
- ۳ همانند برهان فارابی، مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌ها است.
- ۴ در نهایت اثبات می‌شود که تمام موجودات، واجب‌الوجود بالغیر هستند.

۷ کدام عبارت درباره استدلال فارابی برای ابطال تسلسل نامتناهی علت‌ها درست است؟

- ۱ اگر آغاز و ابتدایی در کار نباشد، نوبت به معلولی که پیش روی ما است می‌رسد.
- ۲ تمام برهان‌های فیلسوفان بر اثر وجود خداوند، بر آن مبتنی هستند.
- ۳ از وجود پدیده‌ها و معلول‌های جهان، برهان خود را شروع می‌کند.
- ۴ با ابطال تسلسل علل نامتناهی، وجود معلول‌ها اثبات می‌شود.

۸ کدام یک، از مقدمات برهان فارابی بر اثبات خدا شمرده نمی‌شود؟

- ۱ فقط در صورتی که علت وجود داشته باشد، معلول هم هست.
- ۲ ممکن است یک علت، در عین حال معلول هم باشد.
- ۳ هر چه که واقعیت دارد، باید دارای علتی باشد.
- ۴ بی‌شک، موجوداتی در جهان وجود دارند.

۹ کدام مفهوم در برهان وجوب و امکان ابن‌سینا جایگزین بطلان تسلسل در برهان فارابی است؟

- ۱ امکان ذاتی موجودات
- ۲ ضرورت بخشی واجب‌الوجود
- ۳ وصف بیرونی بودن علت‌العلل
- ۴ توجه به نیازمندی و فقر وجودی

۱۰ کدام گزینه به تسلسل علل از دیدگاه فارابی بیشتر نزدیک است؟

- ۱ سلسله اعداد طبیعی که از عدد یک آغاز می‌شود و تا بی‌نهایت ادامه دارد.
- ۲ دومینویی در حال افتادن با بی‌نهایت قطعه که به قطعاً آغازین منتهی نشود.
- ۳ آسمانی با بی‌نهایت ستاره که هر کدام علت نور خود هستند.
- ۴ یک مرغداری با بی‌شمار مرغ که هر کدام علت تخم‌های خود هستند.

۱۱ کدام گزینه با نظریه اعتقاد به خدا به عنوان عامل معناداری زندگی قرابت بیش‌تری دارد؟

- ۱ برگ درختان سبز پیش خداوند هوش / هر ورقی دفتری ست معرفت کردگار
- ۲ کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ، کار ما شاید این است، که در افسون گل سرخ شناور باشیم
- ۳ این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
- ۴ ای همه هستی ز تو پیدا شده / خاک ضعیف از تو توانا شده

۱۲ کدام عبارت دربارهٔ برهان وجوب و امکان صحیح است؟

- ۱ در این برهان از مشاهدهٔ معلول‌های جهان حکم به وجود علت داده شده است.
- ۲ چنانچه تناهی موجودات جهان نفی شود، به این برهان خدشه وارد می‌گردد.
- ۳ سیر حرکت آن اثبات واجب‌الوجود بالذات و سپس واجب‌الوجود بالغیر است.
- ۴ به ذات موجودات جهان توجه دارد که همان تساوی میان عدم و وجود است.

۱۳ دقیق‌ترین گزینه درباره‌ی منظور فیلسوفان معاصر از زندگی «معنادار» کدام است؟

- ۱ زندگانی عقلانی همراه با تفکر فلسفی
- ۲ زندگی سرشار از تجربه‌های معنوی و عرفانی
- ۳ زندگی دارای هدف و مقصد دنیایی
- ۴ باور به وجود یک حقیقت واقعی مقدس

۱۴ براساس برهان فارابی بر اثبات وجود خدا می‌توان گفت:

- ۱ وابستگی وجودی اشیاء امری اثبات شده نیست.
- ۲ امتناع تسلسل علل پیش‌فرض این برهان است.
- ۳ با دیدن جای پنجهٔ شیر، وجود شیر اثبات می‌شود.
- ۴ سلسلهٔ علل و معلول‌ها باید به معلول بی‌علت برسد.

۱۵ کدام گزینه جزء ویژگی‌های سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها و معلول‌ها نیست؟

- ۱ شرط وجود افراد این زنجیره، علتی است که خود معلول دیگری نباشد.
- ۲ چنین زنجیره‌ای هرگز در جهان خارج وجود پیدا نخواهد کرد.
- ۳ در رأس این سلسله یک وجود ناشمروط یا علت‌العلل وجود دارد.
- ۴ همهٔ افراد این سلسله، خود معلول علت بالاتر از خود هستند.

۱۶ برهان فارابی برای اثبات وجود خداوند، بر کدام اصل مبتنی است و کدام‌یک، از مقدمات این برهان است؟

- ۱ تقدّم وجوب بر وجود - محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌ها
- ۲ محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌ها - تقدّم وجوب بر وجود
- ۳ محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌ها - تقدّم علت بر معلول
- ۴ تقدّم علت بر معلول - مغایرت وجود و ماهیت

۱۷ کدام عبارت درست است؟

- ۱ همه‌ی فیلسوفان مسلمان، ابتدا وجود خدا را به دلایل دینی می‌پذیرند و سپس می‌کوشند تا وجود او را اثبات کنند.
- ۲ به عقیده‌ی ملاصدرا در نظریه‌ی امکان فقری باید به جای نگاه کردن به ماهیت، به حالت امکانی آن ماهیت بنگریم.
- ۳ باید میان نامتناهی بودن تسلسل علل و نامتناهی بودن علل تفاوت قائل شویم، زیرا اولی محال و دومی ممکن است.
- ۴ مقدمات برهان فارابی با چیزی که راسل به فلاسفه‌ی الهی نسبت می‌دهد متفاوت است، اما نتیجه‌ی سخن هر دو یکی است.

۱۸ کدام گزینه، مقدمه‌ی دوم برهان درجات کمال به شمار می‌رود؟

- ۱ در این جهان موجوداتی هستند که نسبت به هم خوب‌تر و بهتر هستند.
- ۲ هر جا که خوب‌تر و بهتر وجود دارد، خوب‌ترین و بهترینی نیز هست.
- ۳ حقیقتی که خوب‌ترین و بهترین باشد، وجود دارد که از همه برتر است.
- ۴ در میان موجودات جهان، برخی موجودات کامل‌تر از برخی دیگر هستند.

۱۹ از نظر فارابی، چرا سلسله‌ی علت‌ها نمی‌تواند تا بی‌نهایت به عقب برگردد؟

- ۱ حتماً در ابتدای سلسله‌ی علت‌ها و معلول‌ها، علتی وجود دارد که دیگر معلول نیست.
- ۲ فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.
- ۳ چون به علت نخستین و مبدأ هستی و جهان ختم نخواهد شد.
- ۴ نوبت به موجودی که اکنون پیش روی ما است، نخواهد رسید.

۲۰ کدام گزینه نقد راسل بر علت‌العلل است؟

- ۱ اگر علتی وجود دارد، پس معلولی هم باید وجود داشته باشد.
- ۲ اگر هر چیزی علتی دارد، خدا هم باید علتی داشته باشد.
- ۳ اگر خدا معلول است، پس هیچ علتی در کار نخواهد بود.
- ۴ اگر خدا علت‌العلل است، پس وجودش نیازی به علت ندارد.

۲۱ از لوازم پذیرش برهان فارابی جهت اثبات وجود خدا به کدام مورد نمی‌توان اشاره کرد؟

- ۱ سلسله نامتناهی علل و معلول‌ها محال است.
- ۲ بی‌نهایت موجود پدید نمی‌آید.
- ۳ آغاز و ابتدایی در کار است.
- ۴ سلسله جنبان این زنجیره وجودش برایش ضروری است.

۲۲ کدام مورد با نظرات فیلسوفان مسلمان سازگار است؟

- ۱ معناداری زندگی انسان بدون پذیرش واقعی وجود خدا، غیرممکن است.
- ۲ مقدمه مشترک همه براهین ثبات خدا، نیازمندی هر موجودی به علت است.
- ۳ عقل وجود خدا را اثبات می‌کند و این، برای معنابخشی به زندگی کافی است.
- ۴ فیلسوف، وجود خدا را به دلایل دینی می‌پذیرد و سپس می‌کوشد تا وجود او را اثبات کند.

۲۳ به نظر ابن‌سینا، طبیعت هر شیء آن‌را به سوی

- ۱ خیر و کمال مطلوب سوق می‌دهد به شرط نبود هیچ مانعی در راه طبیعت.
- ۲ اعتدال و تجرد سوق می‌دهد و در این راه هیچ مانعی کارساز نیست.
- ۳ اعتدال و تجرد سوق می‌دهد و در این راه مانع غیرمادی کارساز است.
- ۴ خیر و کمال مطلوب سوق می‌دهد و در این راه تنها مانع غیرمادی کارساز است.

۲۴ با توجه به دیدگاه‌های ابن‌سینا، نمی‌توان گفت:

- ۱ چون نظام طبیعت «بهترین نظام» ممکن است لذا با نگاه کردن به بخش کوچکی از آن، می‌توان درباره‌ی جهان طبیعت داوری کلی کرد.
- ۲ نفی طبیعت و نفی ساختار ذاتی داشتن موجودات، به معنی نفی قانونمندی و عدم امکان پیش‌بینی برای اشیاء و موجودات جهان است.
- ۳ چون خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده پس می‌توان گفت که طبیعت یک مجموعه‌ی دارای اعتدال و رو به کمال است.
- ۴ علاوه بر مطالعه‌ی عالم طبیعت، برای کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های آن باید در رابطه‌ی وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کرد.

۲۵ با توجه به ابیات زیر کدام گزینه با نظر ابن‌سینا پیرامون طبیعت تناسب بیش‌تری دارد؟

- الف) در دایره‌ای کامدن و رفتن ماست / آن‌را نه بدایت نه نهایت پیداست
 کس می‌نزد دمی در این معنی راست / کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست
 ب) پشه کی داند که این باغ از کی است / کلو بهاران زاد و مرگش در دی است
 کرم کاندز چوب زاید سست حال / کی بداند چوب را وقت نهال
 ج) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
 این همه نقش عجب بر دیوار و دیوار وجود / هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
 د) اجزای پیاله را که درهم پیوست / بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
 چندین سر و ساق نازنین و کف دست / از مهر که پیوست و به کین که شکست؟

۴ الف و د

۳ الف و ج

۲ ب و ج

۱ الف و ب

- ۱ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. از نظر فیلسوفان مسلمان بعد از پذیرش خداوند از طریق عقل و تفکر و اندیشه، باید با وی ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی متعالی و معنادار را سامان داد.
- ۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر ابن‌سینا همه‌ی موجودات چون موجود هستند، واجب‌الوجودند که یا واجب‌الوجود بالذات هستند یا واجب‌الوجود بالغیر. واجب‌الوجود بالغیر، وجوب و ضرورت وجود خود را از واجب‌الوجود بالذات دریافت می‌کند. کتاب دوازدهم، درس ششم ص ۴۴
- ۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بحث‌های فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و یا پیرو هر مسلک دیگر درباره‌ی خدا، تا وقتی فلسفی هستند که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به‌صورت استدلالی عرضه نماید. فیلسوف کسی نیست که دین و آیین نداشته باشد، بلکه کسی است که براساس قواعد فلسفی و استدلال عقلی نظرات خود را بیان کند و با قواعد فلسفی از عقیده‌ی خود دفاع نماید. کتاب دوازدهم، درس ششم ص ۴۱
- ۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فرضی که در صورت سؤال مطرح شده است، تسلسل علل نامتناهی می‌باشد و خواسته شده که نتیجه‌ی نهایی آن را بیان کنیم. اولین نتیجه‌ای که از تسلسل علل نامتناهی گرفته می‌شود این است که به علتی که معلول نباشد، نمی‌رسیم. نتیجه‌ی بعدی از این نتیجه حاصل می‌شود این است که پس مجموعه‌ی علت و معلول‌ها باید بی‌شمار باشد. نتیجه‌ی سومی که از نتیجه‌ی دوم استنتاج می‌شود نیز این است که پس معلولی که پیش‌روی ماست هرگز ضرورت پیدا نمی‌کند و چیزی تا ضرورت پیدا نکند موجود نمی‌شود. (الشیء ما لم یجب، لم یوجد) بنابراین نتیجه‌ی نهایی تسلسل علل نامتناهی این است که وجود هیچ معلولی ضروری نخواهد شد. توجه: گزینه‌های ۱ و ۳ نیز نتیجه‌ی تسلسل علل نامتناهی هستند اما نتیجه‌ی نهایی نیستند و صورت سؤال از ما نتیجه‌ی نهایی را خواسته است. توجه: گزینه‌ی ۲ اصلاً نتیجه‌ی تسلسل نیست، بلکه بیان خود آن است.
- ۵ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از نظر فلاسفه مسلمان باید ابتدا وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه پذیرفت و سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرد.
- ۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. طبق نظر ابن‌سینا موجودات این جهان، ممکن‌الوجود بالذات هستند و وجود آن‌ها به واجب‌الوجود بالذات وابسته است. تمام اشیای جهان که موجود هستند، واجب‌الوجود بالغیر هستند و به واجب‌الوجود بالذات که وجوب وجودش از ناحیه‌ی خود آن ذات (نه از ناحیه‌ی یک امر بیرونی) است، وابسته هستند.
- ۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فارابی می‌گوید اگر پدیده‌ای که الآن موجود است، معلول علتی باشد و آن علت هم معلول علت دیگری باشد و سلسله‌ی این علت و معلول‌ها، بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود، چنین تسلسلی محال است و در خارج تحقق نمی‌یابد زیرا اگر سلسله‌ی علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت به عقب برگردد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ما است.
- ۸ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اینطور نیست که هر چیزی واقعیت داشته باشد، لزوماً دارای علتی باشد. مثلاً خداوند واقعیت دارد اما علت ندارد. باید گفت: هر پدیده‌ای، لزوماً نیازمند به علت است. بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: وجود معلول بدون وجود علت، امکان ندارد.
گزینه ۲: بله، ممکن است یک علت (مثلاً نجاری که میز می‌سازد) در عین حال که علت است، خودش معلول چیز دیگری باشد. مهم این است که این سلسله علت‌ها و معلول‌ها، به یک علت غیرمعلول منتهی شود. پس این عبارت صحیح است و تناقضی با اصل بطلان تسلسل علل نامتناهی ندارد.
گزینه ۴: فارابی در مقدمه اول برهان خود، به اصل واقعیت مستقل از ذهن اشاره می‌کند و می‌گوید که بی‌شک در جهان، موجوداتی وجود دارد.

- ۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. این سینا بیان می‌کند که اگر سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت هم پیش رود، باز هم چون تک تک افراد سلسله ممکن‌الوجود هستند، کل سلسله و مجموعه هم ممکن‌الوجود می‌باشند. او روشن می‌کند که مجموعه‌ای که همه ممکن‌الوجود باشند، این مجموعه نیازمند علتی خارج از مجموعه است و هر مجموعه ترتیب یافته از علت‌ها و معلول‌ها، خواه تعداد افراد آن متناهی باشد و خواه نامتناهی، اگر همه افراد آن ممکن و معلول باشند، به علتی بیرون از خود محتاج می‌باشد. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که این سینا به جای اشاره به عدم تسلسل علل نامتناهی با اشاره به امکان ذاتی موجودات استدلال قوی‌تری ارائه می‌کند که در آن دیگر تعداد یا تناهی علل مهم نیست. بلکه هر تعداد باشد ذات آن‌ها ضرورت یک واجب‌الوجود را اثبات می‌کند.
- ۱۰ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تسلسل علل نامتناهی هنگامی است که اجزای سلسله نسبت به هم «رابطه علی و معلولی» داشته باشند و همچنین سلسله دارای «آغاز» نباشد. این دو شرط تنها در گزینه ۲ موجود است.
- ۱۱ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ۲ (فقط این بخش از شعر سهراب سپهری) وجود خداوند از طریق مخلوقات و جهان هستی اثبات شده است. در گزینه‌ی ۲ شاعر اساساً با شناخت و معرفت و اثبات کاری ندارد و می‌خواهد با راز جهان زندگی کند (و با آن زندگی معناداری داشته باشد) و در آن غرق شود، این مضمون به نظریه‌ی معناداری زندگی نزدیک‌تر است.
- ۱۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در مقدمه اول برهان وجوب و امکان چنین آمده است: «وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی‌اندهم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن‌الوجودند». تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: بیانگر برهان فارابی در اثبات وجود خدا است.
گزینه ۲: بنابر بیان ابن‌سینا، اشیای جهان، چه تعداد آن‌ها محدود باشد و چه نامحدود، چه کل آن‌ها را به عنوان یک مجموعه در نظر بگیریم و چه به فرد فرد آن‌ها توجه کنیم، چون ذاتاً ممکن‌الوجودند، برای موجود شدن به واجب‌الوجود بالذات نیاز دارند.
گزینه ۳: در این برهان پس از بیان حالت ممکن‌الوجود بودن اشیاء نیاز آن‌ها به واجب‌الوجود بالذات اثبات می‌گردد.
- ۱۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. زندگی معنادار آن زندگی‌ای است که بر پایه‌ی غایت و هدف معقول و شایسته‌ی انسان بنا شده باشد و این غایت معقول و شایسته، همان امر مقدس و پاکی است که انسان تلاش می‌کند به آن نزدیک شود و این حقیقت مقدس همان خداست که غایت انسان است و دارای همه‌ی زیبایی‌ها و قداست‌هاست و همه‌ی ارزش‌ها و خیرها نیز از آن اوست.
- ۱۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. یکی از مقدمات برهان فارابی این است که فقط در صورت وجود علت، معلول موجود خواهد بود. از این مطلب نتیجه می‌گیریم وقتی معلولی را مشاهده کردیم ولی علتش را ندیدیم، آن علت وجود دارد. در مثال شیر و اثر پنجه شیر، بر طبق همین مطلب نتیجه‌گیری کرده‌ایم. تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: یکی از مقدمات برهان فارابی این است که در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهایی دیگرند. اگر فارابی این مطلب را اثبات شده نمی‌دانست، در برهانش نمی‌توانست از آن استفاده کند.
گزینه ۲: برهان فارابی مبتنی بر امتناع (محال بودن) تسلسل علل نامتناهی (تسلسل نامتناهی علت‌ها) است نه تسلسل علل به طور کلی، که شامل تسلسل علل متناهی (که محال نیست) نیز می‌شود.
گزینه ۴: برهان فارابی بر این مطلب متکی است که سلسله علت‌ها و معلول‌ها باید به علتی برسد که خود معلول علت بالاتری نیست.

۱۵ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اگر سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها و معلول‌ها را در نظر آوریم، چون همه افراد این سلسله، خود معلول علت بالاتر از خود هستند، در نتیجه وجود هر کدام مشروط به وجود دیگری است که وجود آن هم به نوبه خود، مشروط به دیگری است، پس همه آن‌ها در مجموع مشروط‌هایی هستند که شرط وجودشان، یعنی علتی که خود معلول دیگری نباشد وجود ندارد؛ پس این زنجیره هرگز وجود پیدا نخواهد کرد.

اگر زنجیره موجود شود، به ناچار باید موجودی که خود معلول دیگری نباشد (یعنی علتی که خود معلول علت بالاتری نیست) در رأس این زنجیره قرار گیرد. بنابراین، یک زنجیره موجود از علل و معلول‌ها قطعاً باید به یک علت‌العلل ختم شود که در این صورت نامتناهی نخواهد بود.

۱۶ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فارابی برهانی برای اثبات وجود خدا ارائه می‌کند که مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌هاست. او می‌گوید در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگر هستند، هر چیزی که وجودش از خودش نباشد علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد. پس فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.

۱۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نامتناهی بودن علل همان نامتناهی بودن تسلسل علل نیست، زیرا تسلسل علل امری محال است، یعنی اگر سلسله‌ی علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می‌آید و چنین چیزی محال است. پس سلسله‌ی علت‌های این جهان منتهی به علتی می‌شود که خودش نیازمند به علت نیست. اما نامتناهی بودن علل امری ممکن است، یعنی ممکن است بعضی علت‌ها نامتناهی باشند. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) فیلسوفان مسلمان در کتب فلسفی خود با روش فلسفی و استدلال عقلی درباره‌ی خدا بحث کرده و به اثبات وجود او پرداخته‌اند و لزوماً این‌گونه نبوده که ابتدا از طریق دلایل دینی وجود خدا را پذیرفته باشند.

(۲) ملاصدرا به جای نگاه کردن به ماهیت، به وجود توجه کرد و گفت «به موجودات پیرامونمان که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که وجودشان عین وابستگی و نیاز به دیگری است.»

(۴) مقدمه‌ی برهان فارابی و فیلسوفان مسلمان دیگر این است که هر موجودی که معلول باشد، وجودش وابسته به علت است، اما راسل پنداشت که فارابی و فیلسوفان مسلمان می‌گویند هر وجودی نیازمند و وابسته به علت است، پس مقدمات برهان فارابی با چیزی که راسل به فلاسفه‌ی الهی نسبت می‌دهد متفاوت است، نتیجه‌ای که فارابی و راسل از این مقدمات می‌گیرند، نیز متفاوت است، زیرا راسل می‌گوید اگر هر چیزی باید علتی داشته باشد، پس خدا نیز نیازمند علت است.

۱۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مقدمات و نتیجه‌ی «برهان درجات کمال» ارسطو چنین است:

مقدمه‌ی اول: در این جهان موجوداتی وجود دارند که نسبت به هم خوب‌تر و بهتر هستند.

مقدمه‌ی دوم: هر جا که یک خوب‌تر و بهتر هست، خوب‌ترین و بهترین نیز هست.

نتیجه: پس در این جهان موجودی هست که از همه خوب‌تر و بهترین است.

۱۹ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. به نظر فارابی اگر قرار باشد سلسله‌ی علت‌ها تا بی‌نهایت به عقب برگردد و منتهی به علتی نشود که آن دیگر معلول نباشد، آن وقت دیگر نوبت به موجودی که اکنون پیش روی ماست نمی‌رسید.

۲۰ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. راسل می‌گویند اگر می‌گویید هر چیزی علت می‌خواهد؛ پس باید قبول کنید که خدا هم علت می‌خواهد و اگر می‌گویید خدا علت‌العللی است که علت نمی‌خواهد، پس می‌توان این علت‌العلل را چیزی غیر از خدا دانست.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. **۲۱**

اگر سلسله علت‌ها بخواید تا بی‌نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست، یعنی اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست. به بیان دیگر: اگر سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید بی‌نهایت موجود پدید بیاید تا نوبت به معلول پیشروی ما برسد و هیچگاه بی‌نهایت و چنین چیزی امکان‌پذیر نیست چون سلسله علت و معلول نمی‌تواند تا بی‌نهایت به عقب برگردد، پس، در ابتدای سلسله علت‌ها و معلول‌ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست و وجود، برایش ضروری است، یعنی خودش واجب‌الوجود و «علت‌العلل» موجودات دیگر است. درس ۶ صفحه ۴۲ و ۴۳

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از نظر فیلسوفان مسلمان باید ابتدا وجود خدا را از طریق عقل، تفکر و اندیشه پذیرفت سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان داد. وقتی اعتماد به خدا می‌تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه‌ای برتر از زندگی کند که انسان واقعاً او را از یک راه معقول و درست پذیرفته باشد. **۲۲**

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. به نظر ابن‌سینا طبیعت هر شیء آن‌را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می‌دهد؛ به شرط این‌که مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. **۲۳**

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. به نظر ابن‌سینا، طبیعت هر شیء آن‌را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می‌دهد؛ به شرط این‌که مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آن‌چه ظاهراً شر و بدی به نظر می‌رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی هم‌چون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می‌کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی‌توان درباره‌ی آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ‌های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می‌بیند، حادثه‌ای ناگوار تلقی می‌شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می‌کند، می‌داند که پاییز نقش ویژه‌ی خود را در اعتدال طبیعت ایفا می‌کند. **۲۴**

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ابن‌سینا معتقد است با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی‌توان درباره‌ی آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ‌های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می‌بیند، حادثه‌ای ناگوار تلقی می‌شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می‌کند، می‌داند که پاییز نقش ویژه‌ی خود را در اعتدال طبیعت ایفا می‌کند. در ابیات ب هم به مضمونی مشابه این اشاره شده است. **۲۵**

ابن‌سینا از ما می‌خواهد که علاوه بر مطالعه‌ی عالم طبیعت، برای کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های آن، در رابطه‌ی وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم. از نظر ابن‌سینا، تأمل در رابطه‌ی طبیعت با ماوراءطبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آن‌ها می‌رساند؛ آن‌ها را به خشوع و خشیت در برابر حق و می‌دارد. این مضمون در ابیات ج نیز آمده است.

نکته: مضمون ابیات الف و د حاوی نوعی شک و تردید در عقایدی است که ابن‌سینا هم از باورمندان بدان است. ابیات الف در مخالفت با نظر ابن‌سینا پیرامون ارتباط طبیعت با ماوراءطبیعت است. ابیات د در مخالفت با نظر ابن‌سینا پیرامون شر و بدی است.